

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۰۳ جون ۲۰۱۳

معانی و مفاهیم انتخابات در ایران

رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی از جانب شورای نگهبان، اپوزیسیون حکومتی و دیگر وابستگان به سرمایه را، بر آشفته نمود. به عبارتی انتظار چنین "گستاخی" - و آن هم - نسبت به رفسنجانی را نداشته‌اند. فردی که از اوائل پای‌گیری رژیم جمهوری اسلامی، دوشادوش نظام بوده - و می‌باشد -، و برای حفظ و پابرجائی آن کوشیده و همچنان بر آن است تا اسرار نظام را تا آخرین لحظه در قلب خود محفوظ نگه دارد. اسراری که مترادف با کُشتار هزاران زندانی سیاسی و توده‌های محروم و همچنین خانه‌خراپی میلیون‌ها انسان و غارت اموال عمومی توسط سران رنگارنگ نظام است. البته در این میان کمتر کسی‌ست که بر سوابق "درخشان" رفسنجانی شک و تردیدی داشته و یا این‌که، با آن ناآشنا باشد. رئیس تشخیص مصلحت نظام از سال ۶۸ تاکنون، رئیس مجلس خبرگان (از سال ۸۶ الی ۹۰)، رئیس جمهور نظام (از ۶۸ الی ۷۶)، جانشین فرماندهی کل قوا (از ۶۷ الی ۶۸)، رئیس شورای عالی دفاع (از ۶۰ الی ۶۸) و اولین رئیس مجلس شورای اسلامی (از ۵۹ الی ۶۸) و غیره عناوین مسئولیتی‌ست که بر عهده وی بوده و می‌باشد.

پر واضح است که به حایشه انداختن رفسنجانی از کاندیداتوری ریاست جمهوری اسلامی، ربطی به ارتباط و موضع وی با آرمان کارگران و زحمت‌کشان و با خواسته‌های به‌حق آنان ندارد؛ پر واضح است که این عنصر، همواره در پی حفظ و حراست نظام بوده و در دوره‌های متفاوت هزاران انسان بی‌گناه را از دم تیغ گذارند، و هزاران تن دیگر را از خانه و کاشانه‌شان آواره نموده است. فراموش نشده است که چگونه این جانی، در قتل کمونیست‌ها و مبارزان داخل و خارج از کشور نقش داشته است و فراموش نشده است که، چگونه خلق ستمدیده‌کُرد در دوران زمامداری وی، مورد یورش و تعدی ارگان‌های نظام قرار گرفته است. در حقیقت جامعه ایران در این چند دهه و توسط چنین جانیانی، به خرابه تبدیل شده است و عناصری همچون رفسنجانی زندگی میلیون‌ها انسان را به کام مرگ و نیستی کشانده‌اند. این نظام با تمامی مدافعاتش شراند برای محرومان. به بهانه مبارزه با تجاوزگران، جنگ خونینی را به خلق‌های ستمدیده ایران تحمیل نمودند و به بهانه سازندگی، بر تعرض خود به کارگران و دیگر زحمت‌کشان افزوده‌اند. همه سران حکومت در تخریب زندگانی توده‌ها شریک‌اند و همچنین هیچ دوره‌ای از حکومت‌داری مدافعان نظام را نمی‌توان سراغ داشت، که توده از استثمار صاحبان تولیدی و سرمایه‌داران و از تعرض ارگان‌های بقای سلطه امپریالیستی در امان بوده باشد. با این اوصاف مخالفت رفسنجانی با جناح‌های رقیب حکومتی، به‌معنای چرخش منافع طبقاتی و نزدیکی وی با حقوق "شهروندی" نیست. دلیل اصلی آن به اوضاع وخیم و بد اقتصادی مردم مربوط می‌شود؛ دلیل آن به وضعیت جامعه سراسر خشن و بی‌رحمی مربوط می‌شود که سران حکومت بر آن تحمیل نموده‌اند.

به بیانی روشن‌تر بالائی‌ها به جان هم افتاده‌اند، به دلیل این‌که قادر به کنترل بیش از این پائینی‌ها و پاسخ‌گوی بحران رو در رو نیستند. همه آنان به‌عیان می‌دانند که مردم از دست این نظام کلافه‌اند و بوی آن، دهه‌هاست که به مشام‌شان رسیده است. می‌دانند که رژیم فاقد کمترین پایگاه مردمی‌ست و می‌دانند که تداوم چنین وضعیتی، عمر رژیم را کوتاه‌تر خواهد نمود. بی دلیل نیست که با تمام قواء به‌میدان آمده‌اند تا مبادا روزهای هرج و مرج بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ تکرار شود. به هر حال، هم جناح تأیید شده و هم رد صلاحیت شده‌های نظام، تفاوتی با هم – نداشته – و ندارند و هیچ‌کدام‌شان، به درد مردم نمی‌خورند و باید تاوان کرده‌هایی را باز پس دهند. در حقیقت نظام مدیون بازی‌های سیاسی جناح‌های متفاوت است و به‌عینه دریافت شده است که هر یک از آنان در عمل نقش سوپاپ اطمینان آن را ایفاء نموده‌اند و کار هر یک از آنان، در به انحراف کشاندن افکار عمومی و در سرکوب خواسته‌های پایمپی و به‌حق مردمی‌ست. مازاد بر این‌ها ورود و یا تأیید افرادی همچون رفسنجانی به صحنه انتخابات ریاست جمهوری، به‌معنای دمکراسی طلبی سران حکومت و همچنین درمان، دردهای ناعلاج میلیون‌ها توده ستمدیده نبوده و نیست؛ چرا که انتخابات در ایران، نه انتخابات مردمی بلکه انتصابات و تغییر آرایش دولتی به‌منظور حفظ و نگهداری بهتر نظام است. از آغاز این‌چنین بوده است و از آغاز، تلاش حاکمان بر آن بوده است تا عناصر و دار و دسته‌های‌شان را نه تنها به جامعه، بلکه به خودی‌ها هم تحمیل نمایند. به عبارتی انتخابات در جوامعی همچون ایران از چنین محسناتی برخوردار بوده و به همین دلیل فاقد پائین‌ترین معیارهاست. در ایران تحت سلطه، معانی و مفاهیم واژه‌ها و از جمله مفهوم انتخابات وارونه است و به‌عینه دریافت شده است که در این نظام‌ها، آرای مردمی هرگز و هرگز به حساب نیامده و سرنوشت مردم، همواره و همواره توسط حاکمان و آن‌هم به یمن سلاح و زور رقم زده شده است.

فقر میلیون‌ها توده، در سه دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از یک‌طرف و سرکوب عنان گسیخته و دائمی آنان توسط منادیان سرمایه از سوی‌دیگر گواه این ادعاست که سران حکومتی و دولتی - و آن‌هم با شکل و شمایل -، در پی غارت هر چه بیش‌تر اموال عمومی به جیب دار و دسته‌های خودی‌اند. روند رو به نزول زندگی و معیشت توده‌ها و به تبع آن، تجربه سراسر نکبت‌بار دهه‌های پیشین، مبین این واقعیات است که مردم نه تنها با سر کار آمدن عناصری همچون رفسنجانی موافق نبوده – و نیستند -، بلکه با اعتراضات و با نارضایتی خود نشان داده‌اند که با تمامی سران و کاندیداتورهای نظام مخالف‌اند و با همه آن‌ها سر جنگ دارند. این جنگ و جدال، دائمی و طبقاتی‌ست و در حقیقت جنگ و جدل بالائی‌ها، جنگ و جدل پائینی‌ها نیست. جنگ و جدل آنان بر سر سهم‌بری هر چه بیش‌تر، از نعمات جامعه است و در عوض، جنگ پائینی‌ها با بالائی‌ها، بر سر تقسیم ثروت، مابین همه آحاد جامعه می‌باشد. به بیانی دیگر و خلاف نظر نادانان و ابلهان، دعوای جناح‌های متفاوت نظام، بر سر بازنویسی و زیر و رو نمودن قانون سراسر جنایت جمهوری اسلامی نیست، و آمد و رفت‌های عناصری همچون رفسنجانی و انتساب الفاظی همچون عنصر "معتدل" و "میان‌رو" به وی، چیزی جز، به عقب راندن و به کج‌راه کشاندن جنبش‌های اعتراضی و مهم‌تر از آن‌ها، افزودن بر طول عمر نظام جمهوری اسلامی نیست. همه و علی‌رغم تفاوت‌های بسیار و بسیار جزئی، سر و ته یک کرباس‌اند و به درد جامعه و به درد مردم نخورده و نخواهند خورد. به کلامی حقیقی انتخاب واقعی مردم، حذف نظام از فضای جامعه و پرتاب یکایک مجریان و مدافعان آن به زباله‌دان تاریخ می‌باشد. به این دلیل که هر یک از جناح‌های متفاوت نظام، بیش از اندازه ایران سرمایه اندوخته‌اند و ید طولائی در چپاول، غارت و سرکوب توده‌ها دارند. بنابراین چه عناصر رد شده از فیلتر شورای نگهبان، و چه عناصر گیر کرده در آن، هیچ‌گونه تفاوتی با هم نداشته و در عمل و همه، مبلغ و مدافع سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی بوده و می‌باشند.

به واقع که عمر این نظام، بیش از اندازه و خلاف ارزیابی‌ها و تصورات، طولانی شده است. حیات لحظه‌ای این نظام هم مترادف با فقر و بدبختی هر چه بیش‌تر انسان‌های محروم است. به عینه قابل مشاهده است که مردم در چنین نظامی،

فاقد ارزش‌اند و به‌عنوان نیرو و عناصر سودده برای سرمایه‌داران به حساب می‌آیند و وظیفه‌شان کار بیشتر و در عوض، خواست و تقاضای پائین‌تر است. دهه‌هاست که اعتراضات به‌حق‌شان مورد تعرض وحشیانه ارگان‌های سرکوبگر نظام قرار گرفته است و در این‌میان کسی مدافع عملی آنان نیست. سرکوب هزاران خواسته‌های کارگری – توده‌ئی و به تبع آن‌ها کُشتار و اعدام هزاران زندانی سیاسی و قربانیان نظام امپریالیستی، حکایت از آن دارد که آنچه، رژیم جمهوری اسلامی را سراپا نگه داشته است، نه پایگاه مردمی آن، بلکه در سازمان‌دهی و در قدرت بالای ارگان‌های سرکوبگر آن می‌باشد.

نظام دارای ابزار و آلات سرکوب است و مردم، فاقد ابزار مناسبی مقابله با سران حکومت‌اند، و اما و در عوض، از قدرت و پتانسیل بسیار بالائی برای تغییر جامعه سراسر ظلم و تباهی برخوردارند. نه ضعف مردم، و در حقیقت ایراد اساسی، در فقدان عناصر سالم و نیروهای کمونیستی در درون جامعه و آن‌هم در پیشاپیش اعتراضات و مبارزات‌شان بر می‌گردد. بی دلیل نیست که عناصر و جانیانی همچون رفسنجانی که پرونده بس قطوری در چپاول، غارت و سرکوب میلیونی توده‌ئی دارند، به "ناجیان" امروزی تبدیل گردیده‌اند و ابلهان و نادانان خلق هم چنین عتاصری را به‌عنوان عنصر "معتدل" و "میان‌رو" به جامعه و به مردم معرفی می‌نمایند! عنصر "معتدل" و "میان‌رو"ی که بارها و بارها در مقابل پائین‌ترین خواسته‌های مردمی ایستاده است تا مبادا، چرخش دم و دستگاه‌های سرمایه دچار اشکال گردد. خلاف نظر کوتاه اندیشان و اپوزیسیون راست غیر حکومتی، رفسنجانی قصد ورود به انتخابات پیش‌اروی ریاست جمهوری را داشت، به این دلیل که موقعیت نظام را در خطر می‌دید؛ نام نویسی نمود، به این دلیل که قصد داشت کشتی بحران‌زده جمهوری اسلامی را از طوفان رو در رو و آتی نجات دهد. وی دانسته و می‌داند که در این نظام، آرای مردمی فاقد اعتبار است، – و دانسته – و می‌داند که سپاه پاسداران و ولی فقیه، و دیگر دار و دسته‌های‌شان، سرنوشت انتخابات متعدد را رقم زده‌اند، و در هر دوره‌ای از درون صندوق‌ها، آرائی را به بیرون کشیده و می‌کشند که با گرایش‌ات و با خواسته‌های آنان نزدیک‌تر باشد. بنابراین ورود به چنین بازی‌هائی، بیهوده و بی نتیجه است و زمانی باید مردم را به پای صندوق‌های رأی دعوت نمود، که ماحصل آرای خود را در عمل ببینند؛ باید در عمل نشان داده شود که تفاوت بسیار زیاد و بنیادی مابین دموکراسی ادعائی سرمایه‌داران و با دموکراسی تعریف شده مدافعان باطنی منافع کارگران و زحمت‌کشان است. باید نشان داده شود که تنها در جامعه‌ای فارغ از زور و ستم است که انتخابات از مضامین و مفاهیم واقعی برخوردار خواهند بود؛ جامعه‌ای که در آن نه از سرمایه‌دار و استثمارگر و از غارت اموال عمومی خبری است، و نه تزویر، ریا، دروغ و یا راه‌اندازی نمایشات انتخاباتی از نوع رژیم جمهوری اسلامی. در یک کلام جامعه‌ای که سیاست و اقتصادش بر اساس منافع عمومی پای ریخته شده است و همه هم و غمش، سازندگی، بالندگی و تضمین آسایش و آرامش کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد.

۲ جون ۲۰۱۳

۱۲ خرداد [جوزا] ۱۳۹۲